

نقش امام خمینی (ره) در شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی

سیداصغر جعفری*

چکیده

قریب به یک قرن و اندی پیش شخصیت‌های برجسته‌ای در جهان اسلام قدم به عرصه وجود نهاده و توانسته‌اند اقداماتی را در دفاع از اسلام به انجام برسانند، اما تنها شخصیتی که توانست با دفاع از اسلام و مسلمین و مبارزه با دو قطب قدرت بعد از جنگ جهانی دوم، قطب جدیدی از قدرت در جهان معاصر ایجاد کند، حضرت امام خمینی (ره) بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران بود. البته شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی هرگز به منزله برتری‌طلبی یا سلطه‌گری نبود، بلکه حضرت امام (ره) با الهام از سیره انبیای عظام، رسالت خود را در راه رهانیدن جهان بشریت از ظلمت، سیاهی و تباهی به سوی نور و عزت دنبال می‌کردند. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات ترکیبی (کیفی - کمی) است و هدف آن تبیین نقش حضرت امام (ره) در شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی و شناسایی راهبردهای تحقق آن است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که راهبردهای تحقق قطب قدرت اسلامی از دیدگاه حضرت امام (ره) شامل ایمان و توکل به خدا، اتحاد و برادری، نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، سازش‌ناپذیری در مقابل دشمن، اهتمام به فرهنگ اسلامی، تحمل سختی‌ها و مشکلات و تشکیل هسته‌های مقاومت است.

واژگان کلیدی: امام خمینی، انقلاب اسلامی، قطب قدرت اسلامی، استکبار، نظام سلطه.

* استادیار حقوق بین الملل دانشگاه صنعتی مالک اشتر

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۳/۱

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: jafari1647@yahoo.com

۱. مقدمه

قریب به یک قرن و اندی پیش شخصیت‌های برجسته‌ای در جهان اسلام مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزای شیرازی، عبدالرحمان کواکبی، اقبال لاهوری، سید ابوالاعلی مودودی، شیخ محمد عبده، حسن البنا، سید قطب و غیره قدم به عرصه وجود نهاده و توانسته‌اند اقداماتی را در دفاع از اسلام به انجام برسانند، اما تنها شخصیتی که توانست در دفاع از اسلام و مسلمین - جدای از برجستگی علمی، فکری، سیاسی، اجتماعی و فقهی - زلزله‌ای را در جهان معاصر ایجاد کند حضرت امام خمینی (رضوان‌الله تعالی علیه) بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران است. ارتعاشات این لرزه و جنبش آن چنان عظیم و محکم بود که در خارج توانست حیثیت و هیبت ابرقدرت غرب (آمریکا) را در هم بشکند و در داخل کشور نیز رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را که به‌عنوان مهم‌ترین مدافع و حافظ منافع آمریکا در منطقه عمل می‌کرد، ساقط سازد.

انقلاب اسلامی ایران علاوه بر این تحول عظیم در منطقه و جهان، موجب الهام بخشی به مسلمانان دیگر کشورها نیز شده است که غرب از آن با عنوان «بنیادگرایی اسلامی یاد می‌کند» (پیشگاهی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰: ۱۳) و همین موضوع به نوبه خود باعث تقویت سلسله‌ای از جنبش‌های اسلامی در بخش‌هایی از جهان اسلام در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی، مقاومت بی‌نظیر گروه‌های اسلامی مانند حزب‌الله لبنان و حماس در مقابل رژیم صهیونیستی و اخیراً خود منشأ بیداری اسلامی و به دنبال آن وقوع انقلاب در برخی کشورهای اسلامی شده است. (شیخ محمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۶) بی‌تردید همه این تحولات ناشی از رهبری‌های حکیمانه حضرت امام خمینی (قدس سره) است که موجب تثبیت اقتدار اسلام و مسلمین و شکل جدید قدرت در جهان معاصر شد.

حضرت امام (ره) در راستای تثبیت قدرت اسلام در جهان به عنوان قطب مهم در نظام جهانی هرگز لحظه‌ای درنگ نکرده و همواره این سیاست را در عرصه‌های گوناگون حیات مبارکشان ادامه دادند. چنان که وقتی کتاب آیات شیطانی توسط سلمان رشدی مرتد نگارش یافت، فرمان مهدورالدم بودن او را صادر کرد. صدور این فرمان باعث تحقیر شدید دنیای غرب و عزت و سربلندی اسلام و مسلمین شد. و در مناسبتی قاطعانه اعلام کردند:

«من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم {...} مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند تا دندان‌های آمریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره‌گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی اکرم باشند.»

(صحیفه نور، جلد ۲۰، ۱۲۱-۱۱۸)

یکی دیگر از اقدام‌های شجاعانه آن حضرت که مبین اندیشه عالمانه ایشان و معرفی اسلام به عنوان قدرت برتر جهان است، ارسال نامه تاریخی‌شان به صدر هیئت‌رئیس شوروی سابق به تاریخ ۱۱/۱۰/۱۳۶۷ است که سه سال پیش از فروپاشی قطعی امپراتوری کمونیسم در جهان، شکسته شدن قریب‌الوقوع استخوان‌های آن را پیش‌بینی کرده و آن را به اطلاع رهبری پایگاه مرکزی کمونیست رسانید. با سقوط کمونیسم، آینده‌نگری‌های آن مرد الهی که تعلیم‌یافته در مکتب قرآن و عترت رسول مکرم اسلام (ص) بود به عینیت تبلور یافت و بر ارزش‌های والا و جهان‌شمولی اسلام صحنه گذاشت. علاوه بر اینکه در این راستا موج گرایش مسلمانان جمهوری‌های شوروی سابق به سمت اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی به عنوان کانون اسلام ناب محمدی (ص) نیز مشاهده شده است.

بر این اساس نوشته حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که حضرت امام (ره) در شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی چه نقشی داشته و برای تحقق آن چه راهبردهایی را ارائه کرده است؟

۲. مطالعه نظری پژوهش

تاریخ معاصر مشتمل بر مجموعه حوادث و وقایعی است که منجر به ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ و نظام‌های حاکم بین‌المللی شده است. جریاناتی که وضعیت خاصی را در روابط بین‌المللی شکل داده است. در ابتدا لازم است شناختی اجمالی از آن‌ها به عمل آید.

۲-۱. شناخت مفاهیم کلیدی

۲-۱-۱. ابرقدرت

در فرهنگ علوم سیاسی ابرقدرت^۱ به کشوری اطلاق می‌شود که از لحاظ توان اقتصادی و نظامی و فنی و فرهنگی از قدرت‌ها و کشورهای بزرگ جهان^۲ باز هم قوی‌تر و بزرگ‌تر باشند. ابرقدرت‌های جهان به موجب دارا بودن تکنولوژی و توانایی نظامی در سطح بسیار بالا، بیشتر مناطق جهان را تحت سلطه و نفوذ خود دارند و در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز دارای «حق وتو»^۳ هستند، علاوه بر اینکه به دلیل برخورداری از سلاح‌های اتمی و موشک‌های قاره‌پیما، دیپلماسی قوی را در جهان دنبال می‌کنند. آمریکا و شوروی بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان دو ابرقدرت در جهان ظاهر شدند که حاصل آن تقسیم واحدهای سیاسی و وابستگی آن‌ها به یکی از این دو بلوک و بسط نفوذ آن‌ها بر بسیاری از کشورها شد. اگرچه برخی از واحدهای در ظاهر به عنوان غیرمتعهد نیز پدیدار شده‌اند، اما اندکی بعد عملاً این‌گونه نبوده است، بلکه در نتیجه به یکی از آن دو بلوک گرایش پیدا کردند، اما ماهیت خود که عضو جنبش عدم تعهد هستند را مصون نگه داشته‌اند.

البته شاید این پرسش مطرح شود که چرا ابرقدرت بودن بد است؟ اینکه یک کشوری از لحاظ اقتصادی، فنی، تکنولوژی، سیاسی، نظامی و غیره در سطح بالایی باشد کجای آن عیب دارد؟ در پاسخ باید گفت که ابرقدرت بودن به خودی خود عیب نیست، بلکه بسیار خوب هم است، اما آن ابرقدرت بودن، حسن دارد که کشور ابرقدرت، قدرت خود را در راه صحیح و درست به کار برد، قدرت خود را در راه خدمت به انسان‌ها و ارزش‌های انسانی به کار برد، نه اینکه قدرت خود را به غارتگری و تحمیل سلطه بر کشورهای عقب‌مانده و بهره‌کشی از مردم کشورهای ضعیف، استفاده کردن از ذخایر و منابع زیرزمینی و ثروت‌های بومی و استهلاک فرهنگ آن کشورها به کار برد.

۲-۱-۲. استکبار

معنی لغوی استکبار^۴ در فرهنگ فارسی عمید عبارت است از: بزرگ پنداشتن کسی را، خود را بزرگ پنداشتن، تکبر کردن، خودنمایی و گردنکشی کردن.

قرآن کریم - در مباحث مربوط به استکبار - خود بزرگ بینی و سلطه‌جویی و به یوغ کشیدن دیگران را گناهی در حد شرک و ریشه اعمال شرک‌آلود و منشأ ارتکاب ظلم و جرائم ضدانسانی و طغیان و رودرویی با خدا و خلق می‌شمارد. استکبار از دیدگاه قرآن خصلتی است که در هر فرد و جامعه‌ای بروز کند آن را علی‌رغم شایستگی‌ها و ارزش‌های والایی که دارد به ضد خدا و دشمن خلق و ارزشی منفی تبدیل می‌کند و استکبار هیچ‌گاه موضع حق ندارد و همواره از هواهای نفسانی و خواسته‌های شیطانی سرچشمه می‌گیرد. (عمید زنجانی، ۱۳۶۹: ۷۱) آیه ۴۳ سوره فاطر سیاست‌های استکباری را توطئه‌های شیطانی استتار شده با پوشش‌های فریبنده اعلام می‌دارد و برخوردهای آگاهانه و شناخت از ترفندهای مختلف و پیچیده مستکبران را نه تنها رهایی از دام‌های آن دانسته است، بلکه این هوشیاری را سبب برگرداندن توطئه به زیان مستکبران می‌داند.

استکبار در تعبیر غربی، امپریالیزم است، معنی کلاسیک آن سیاست توسعه و گسترش ارضی و در مفهوم مارکسیستی، بالاترین مرحله سرمایه‌داری و در تفسیر کاپیتالیستی، نظامی‌گری است و در معنی جدید سیاسی اوج فرایند پدیده قدرت، و به مفهوم جدید اقتصادی، سرمایه‌داری انحصاری دولتی، که استعمار کهنه و استعمار نوین و جهان‌خواری و ابرقدرتی از ویژگی‌های آشکار آن است و دارای یک خصیصه مشترک و برجسته است که قابل‌مقایسه با مفهوم اسلامی استکبار است و آن خصیصه مشترک همان سیاست سلطه و استثمار است. (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۴۰۷) به عبارت دیگر، امپریالیسم به مفهوم اعمال سیاست‌های توسعه‌طلبانه اقتصادی و برتری‌طلبی سیاسی دولت‌های نیرومند بر ملت یا ملل دیگر است.

۳-۱-۲. سلطه

سلطه که در لغت به معنای «قدرت از روی قهر» گفته می‌شود و در فرهنگ سیاسی به معنای استعمار (امپریالیسم) و در زبان قرآنی به معنای استکبار به کار می‌رود، عبارت از تسلط سیاسی و یا اقتصادی کشوری بر روی کشورهای دیگر است. هرچند که در حقوق بین‌الملل، اصل بر تساوی حاکمیت دولت‌ها و این حقوق مبتنی بر احترام متقابل^۵ و عدم مداخله کشورها در امور داخلی یکدیگر است، اما واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی حکایت از وجود قدرت‌های امپریالیستی و سلطه‌های گوناگون می‌کند که به صورت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی ظاهر می‌شود. (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۰۳-۱۰۱)

۴-۱-۲. استعمار

استعمار^۶ در فرهنگ فارسی عمید عبارت است از طلب آبادانی کردن، آبادانی خواستن، و در اصطلاح امروزی، دست‌درازی و اعمال نفوذ و مداخله دولت‌های قوی در کشورها و سرزمین‌های دولت‌های ضعیف به بهانه آبادی و عمران و به قصد استفاده از منابع ثروت آن‌ها. این واژه از کلنی گرفته شده که در دوره امپراتوری روم معنی ملک روستایی می‌داد و بعداً در مورد گروه‌های خاصی به کار رفت که در سرزمین دیگری استقرار می‌یافتند و به آباد کردن آن اقدام می‌کردند. اکنون مفهوم استعمار با مفهوم امپریالیسم پیوسته شده است. اصطلاح جدید نیز در دهه ۱۹۵۰ مصطلح شد و منظور از آن نوعی استعمار است که در لباس تازه و از طریق سلطه و کنترل اقتصادی و فرهنگی، همان اهداف استعمار قدیم (قرون ۱۶ تا ۱۹) را تعقیب می‌کند. (آقا بخشی، ۱۳۷۴: ۶۴)

۲-۲. وضعیت نظام بین‌المللی در زمان وقوع انقلاب اسلامی

در آستانه ظهور انقلاب اسلامی، نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، از حال و هوا وضعیت خاصی برخوردار بودند که در سایه آن، رفتار دولت‌ها و سیاست بین‌الملل شکل می‌گرفت. در وهله اول، الگوهای همچون مارکسیسم، ناسیونالیسم عربی، صهیونیسم و استکبار و امپریالیسم، به عنوان مهم‌ترین الگوهای بودند که با بسترسازی فکری و ذهنی دولت‌ها، رفتار آنان را در عرصه نظام بین‌الملل شکل می‌دادند. از سوی دیگر، در سایه نقش حمایتی ایالات متحده آمریکا، نوعی از ثبات و امنیت بر منطقه خاورمیانه سایه افکنده بود که در این راستا، نقش ایران به عنوان ژاندارم منطقه از اهمیت بسزایی برخوردار بود.^۸ افزون بر این، فضای جنگ سرد میان دو ابرقدرت آمریکا و شوروی، این فرصت را برای برخی دولت‌ها فراهم ساخته بود تا در چهارچوب آن، به ایجاد اتحادهای استراتژیک و راهبردی با یکدیگر رو آورند که در این راستا،

می‌توان به اتحاد استراتژیک میان ایران و رژیم صهیونیستی از یک طرف و اتحاد استراتژیک میان مصر و سوریه در طرف دیگر اشاره کرد. (مجرد، ۱۳۸۶: ۵۷)

پس از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری قدرت‌های سیاسی جدید و دو قطبی شدن جهان بین بلوک شرق و غرب، توسعه‌طلبی و سلطه‌جویی آمریکا و شوروی بر مناطق مختلف جهان افزایش یافت. آمریکا به عنوان رهبر جهان سرمایه‌داری (بلوک غرب) و شوروی به عنوان سردمدار اردوگاه کمونیسم (بلوک شرق) دو جبهه متخاصم برای تحصیل منافع، رو در روی یکدیگر قرار گرفتند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۸۰) تضاد بین دو ابرقدرت سبب بسط نفوذ آن‌ها و تشکیل جبهه متشکل و منسجمی در مقابل یکدیگر شد. جهان غرب با طرح اقتصادی مارشال و اتحاد نظامی آن در قالب ناتو در مقابل کومکن و پیمان ورشوی جهان شرق صف‌آرایی کرد. (جعفری، ۱۳۷۷: ۲۵۶) به عبارت دیگر، بلوک غرب در راستای استراتژی مهار یا سد نفوذ اتحاد جماهیر شوروی، تعدادی پیمان زنجیره‌ای شامل ناتو، سنتو و سیتو را در محدوده جغرافیایی اروپا تا آسیای جنوب شرقی در اطراف شوروی پدید آورده بود که ایران جزو حلقه میانی آن یعنی سنتو بود. از این سو، بلوک شرق نیز پیمان ورشو را برای جلوگیری از نفوذ یا حملات غرب علیه هریک از اعضای کمونیست این پیمان به وجود آورده بود.

در واقع، آمریکا با انعقاد پیمان‌هایی نظیر بغداد با شرکت عراق، ترکیه، ایران و پاکستان (خود در این پیمان شرکت نکرد) در سال ۱۹۵۵ که در واقع دنباله پیمان کشورهای آسیای جنوب شرقی (سیتو) ۱۹۵۴) و آنزوس^۱ (۱۹۵۱) بود، سعی در ایجاد یک خط تدافعی وسیع برگرد جهان کمونیست داشت. از آن طرف شوروی هم سعی داشت با تقویت جنبش‌های ناسیونالیستی در جهان سوم هر چه بیشتر آن‌ها را از جهان سرمایه‌داری دور و به خود نزدیک کند. رقابت دو ابرقدرت در کشورهای جهان سوم در سال‌های بعد ابعاد وسیع‌تری به خود گرفت. تشکیل واحدهای سیاسی جدید سبب شد دو ابرقدرت کنترل مستعمرات سابق و کشورهای تازه به استقلال رسیده را در دست گیرند تا از حمایت آن‌ها در سازمان ملل برخوردار و از بازارهای آن‌ها بهره‌گیرند و از امتیازات استراتژیک بیشتری سود ببرند. (نقیب‌زاده، ۱۳۶۹: ۲۱۱-۲۱۰)

در کنار نظام منطقه‌ای، نظام بین‌المللی نیز از فضای جنگ سرد تأثیر پذیرفته بود و بنابراین، نوع کنش‌ها و واکنش‌های دولت‌ها در عرصه نظام بین‌الملل که تعیین‌کننده سیاست بین‌الملل است، تحت تأثیر ساختار دو قطبی حاکم بر نظام بین‌الملل قرار داشت. در چنین فضایی، گروهی دیگر از کشورها نیز تحت عنوان کشورهای عضو جنبش عدم تعهد^۱، استقلال و عدم عضویت خود در بلوک‌بندی‌های قدرت را اعلام کردند، اما به دلیل آنکه این کشورها در مقاطع مختلف زمانی، به ابرقدرت‌های شرق و غرب، در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی وابسته بودند؛ بنابراین، نمی‌توان این گروه از کشورها را به عنوان قطب سومی در عرصه نظام بین‌الملل به شمار آورد. در چنین فضای فکری و عینی حاکم بر نظام منطقه‌ای و نظام بین‌الملل بود که

انقلاب اسلامی ظهور کرد و اصل و شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» را مبنای عمل و رفتار خویش در عرصه نظام بین‌الملل قرار داد و بر اساس آن اعلام موجودیت کرد. (مجرد، ۱۳۸۶: ۵۸) شعار نه شرقی و نه غربی، جلوه‌ای است از اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که طبق آن جمهوری اسلامی ایران برای خود، هویتی مستقل از نفوذ قدرت‌ها و ابرقدرت‌های جهان قائل شده است. (ایزدی، ۱۳۷۱: ۱۴۸) به این ترتیب انقلاب اسلامی بدون وابستگی به شرق و غرب و با توجه به تعالیم اسلامی و با شعار نفی سلطه غرب و شرق به پیروزی رسید. در آن زمان در دنیا کسی جرئت بیان چنین شعارهایی را نداشت، اما حضرت امام (ره) نشان داد، می‌توان بدون وابستگی به شرق و غرب، مستقل و با توان خود کشور خود را اداره کرد و بر آرمان‌های خود ایستادگی کرد. در واقع، حضرت امام (ره) نفی وابستگی به شرق و غرب را در راستای ایجاد قطب قدرت اسلامی حائز اهمیت دانسته، در مناسبتی فرمودند:

«شعار (نه شرقی و نه غربی) ما شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا، اسلام را به عنوان مکتب نجات بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد. و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان باید نه وابسته به غرب اروپا و آمریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند که ان شاء الله به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته‌اند. و به طور قطع و یقین پشت کردن به این سیاست بین‌المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا و ائمه هدی است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است؛ که این سیاست ملاک ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است، چرا که شرط ورود به صراط نعمت حق، برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود.» (صحیفه نور، جلد ۲۱، ۱۱۴)

وقوع انقلاب اسلامی ایران ابتدا راهبردهای منطقه‌ای دو ابرقدرت را دست‌خوش تغییر کرد و سپس باعث تغییراتی در راهبردهای جهانی آن‌ها شد. در رابطه با بلوک غرب، انقلاب اسلامی در کشوری که ژاندارم امریکا در منطقه خوانده می‌شد - یعنی کشوری که باید در مقابل حرکت‌های ضد غربی بایستد - اتفاق افتاده بود و این امر از این‌رو بلافاصله یک خلأ آشکار قدرت در منطقه پدید آورد. امریکا به منظور جبران خلأ قدرت، به اجرای «سیاست اتفاق نظر راهبردی»^{۱۲} مبادرت ورزید. در سایه این سیاست، امنیت منطقه می‌توانست از طریق یک رشته موافقت‌نامه‌های نظامی و امنیتی بین ایالات متحده امریکا و کشورهای منطقه حفظ شود. (Nakhleh, 1982 :105)

در واقع، پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد تا ایران از پیمان سنتو خارج شود؛ خروج ایران از پیمان سنتو باعث فروپاشی آن شد، به‌گونه‌ای که بین پیمان‌های ناتو و سی‌تو فاصله افتاد. نکته مهم دیگر این بود که انقلاب خیلی زود در میان کشورهای منطقه - که مرکز مسلمانان و به ویژه شیعیان در جهان است - انعکاس یافت؛ بازتابی که باعث شد جهان غرب و دولت‌های منطقه در هراس از وقوع تحولات مشابه ایران فرو روند. (بهرامی، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۲) در این اوضاع، غرب و به ویژه امریکا برای جلوگیری از گسترش حرکت‌های انقلابی در کشورهای دیگر و حفظ منابع بین‌المللی خود بهره‌گیری از راهبردها و روش‌های مختلفی همچون محاصره اقتصادی، حمله نظامی نافرجام طبرس، طراحی کودتای نوژه، تحریک عراق به آغاز جنگ و همراهی با این کشور در طول جنگ علیه ایران و غیره را مورد توجه قرار داد، اما به حول و قوه الهی و حمایت مردمی و رهبری‌های بی‌نظیر حضرت امام (ره) و سپس خلف صالح ایشان مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) این نظام محکم و استوار ماند و همچنان به پیش می‌رود و به قطب مهمی در نظام جهانی تبدیل شده است.

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، روند نابودی مفهوم استعماری در بسیاری از کشورها به‌ویژه منطقه غرب آسیا آغاز شد و با حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ تشدید و تقویت شد و منجر به جریان بیداری اسلامی شد. (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۳: ۷۰) در واقع، بیداری اسلامی به وجود آمده در کشورهای مختلف نشان از اعتلای قطب قدرت اسلامی ملهم از انقلاب اسلامی ایران دارد. بیداری اسلامی به عنوان یک جریان فرصت‌ساز به مسلمانان یادآوری می‌کند که باید در سیاست‌های خود بازبینی کنند و با رجوع به منابع فکری و دینی اصیل خود و شرایط کنونی جهان، مانع از تسلط بیگانگان بر شئون ارضی، سیاسی و فرهنگی شوند. (دهقانی فیروزآبادی و آجورلو، ۱۳۹۴: ۹۹)

۳-۲- اقدامات حضرت امام (ره) در شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی

معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) حرکت حق‌طلبانه خود را از دوران استبداد و اختناق رضاخانیه که با انزوای اسلام و روحانیت از صحنه سیاسی و اجتماعی ایران همراه بوده، آغاز کردند. در این دوران امام با تدوین و انتشار کتاب (کشف‌الاسرار)^{۱۳} فجایع سلطنت بیست‌ساله پهلوی را افشا کرد و با دفاع از اسلام و روحانیت به پاسخگویی شبهات و حمله‌های منحرفان پرداخت. ایشان در همین کتاب اولین بار ایده حکومت اسلامی و ضرورت قیام برای تشکیل آن را مطرح کرد. یک سال بعد با صدور نخستین بیانیه سیاسی خود که با آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى^{۱۴}» (سوره سبأ، آیه ۴۶) آغاز شده بود، آشکارا علمای اسلام و امت اسلامی را به قیام عمومی علیه دستگاه سیاسی جامعه فراخواند. (انصاری، ۱۳۷۴: ۲۹)

حضرت امام (ره) به‌عنوان تجسم عملی اسلام ناب، انگیزه قیام علیه قدرت‌های استکباری را حمایت و پشتیبانی از ملت‌های مسلمان و مستضعف و ستم‌دیده جهان و نجات آنان از دست مستکبران و نیز احیای اقتدار و عزت امت اسلامی اعلام کرده تا ایجاد قطب جدید قدرت در جهان به عینیت برسد. چنانکه در مناسبتی فرمودند:

«ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی مترکم جهان اسلام داشته و داریم و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن، روزی این کار صورت خواهد گرفت و ان‌شاء‌الله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرت‌ها و نوکران و جیره‌خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند.» (صحیفه نور، ج ۲۰، ۲۳۱)

آن عزیز سفرکرده در مناسبتی دیگر در تجلیل از حرکت‌های مبارزه‌طلبانه برای تثبیت قدرت اسلامی در جهان فرمودند:

«من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله‌بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را کرده‌اند، می‌بوسم و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم.» (صحیفه نور، جلد ۲۰، ۲۳۴)

اگرچه ابرقدرت‌ها سعی کردند تا از شکل‌گیری قدرت اسلامی در جهان معاصر جلوگیری کنند، اما همان‌گونه که خداوند وعده داده بود اسلام دینی است که خدا خود آن را نصرت و پیروزی می‌دهد، گرچه مخالفان و دشمنان نخواهند: «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَكُورَهُ الْكَافِرُونَ* هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^{۱۵} (سوره توبه، آیه ۳۳-۳۲)

نگاهی گذرا به اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های امام در طول نهضت و انقلاب اسلامی، این حقیقت را به خوبی روشن می‌سازد که امام رسالتی فراتر از مبارزه با رژیم شاه و رهایی ایران از چنگال استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی بر دوش داشته است، هدف و آرمان اصلی ایشان «ایجاد حکومت جهانی اسلام» به عبارتی «تشکیل قطب قدرت اسلامی» بوده است.

اقداماتی که حضرت امام (ره) در شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی انجام دادند در سه دوره به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۳-۲. اقدامات در دوران قبل از تبعید

بررسی و تحقیق در اندیشه قائد بزرگ امت اسلامی حضرت امام خمینی (ره)، این حقیقت را نشان می‌دهد که آن چیزی که برای ایشان مطرح بود، اسلام است. هدف او خدا بود و در این راه از موضع‌گیری‌های مخالفان هرگز پیروی نداشتند. ایشان از همان عنفوان جوانی به دلیل آنکه در سایه تعلم و تفکر مکتب نورانی قرآن به اصول و حقیقت آن آگاهی یافته بود، دارای

اندیشه‌ای نورانی و انقلابی و دیدی روشن و سازنده بوده و ضمن خودسازی، مبارزه در راه آزادی انسان‌ها از چنگال ظالمان و طاغوتیان را نیز در برنامه‌های اندیشه‌ای و در دستور کار خود داشت و پیوسته در راه آشنا ساختن توده‌ها به تعالیم انقلابی قرآن کوشش به عمل می‌آورد، چنان که با نگاهی به کتاب «کشف‌الاسرار» ایشان می‌توان به بینش گسترده و سطح والای اندیشه نورانی و مترقی ایشان پی برد. (روحانی، ۱۳۶۰: ۸۲-۸۱)

به دنبال درگذشت مرحوم حضرت آیت‌الله بروجردی، حضرت امام (ره) برای اسلام و استقلال ایران سخت نگران بود و می‌دانست که رژیم، توطئه‌ها و نقشه‌هایی علیه اسلام و ملت ایران در دست طرح دارد که در این فرصت که ملت مسلمان پیشوای مذهبی خود را از دست داده است، می‌خواهد پیاده و اجرا کند؛ از این رو، خود را در قبال اسلام و جامعه اسلامی سخت مسئول می‌دید؛ بنابراین، به منظور شعله‌ور کردن آتش انقلاب در جامعه اسلامی و به حرکت درآوردن توده‌های ناآگاه، بهترین راه این بود که خودشان درفش انقلاب بنیادگر اسلامی را به دوش کشیده و به سوی نور و روشنایی به حرکت درآورد. (همان: ۱۰۵)

حضرت امام (ره) در ایام اولیه نهضت اسلامی که جرعه آن در سال ۱۳۴۱ در جریان انجمن‌های ایالتی و ولایتی^{۱۶} زده شده و افکار ملت مسلمان ایران به سوی ایشان جلب شده بود، نخستین گام در راه جهانی کردن نهضت اسلامی ملت ایران را در اعلامیه خود برداشته چنان که در مناسبتی فرمودند: «اینجانب حسب وظیفه شرعی به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم، قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است.» (صحیفه نور، ج ۱، ۳۴) این رسالت عظیم اسلامی امام راحل (ره)، یعنی تشکیل قدرت اسلامی در مبارزه با صهیونیسم که در اردیبهشت سال ۱۳۴۲ به مناسبت چهلمین روز شهادت محصلین علوم اسلامی و یورش دژخیمان شاه به مدرسه فیضیه قم صادر شده بود، مشاهده می‌شود، چنان که فرمودند:

«من به سران ممالک اسلامی و دول عربی و غیرعربی اعلام می‌کنم علمای اسلام و زعمای دین و ملت دیندار ایران و ارتش نجیب با دول اسلامی برادر است. در منافع و مضار همدوش آن‌ها است و از پیمان با اسرائیل دشمن اسلام و دشمن ایران متنفر و منزجر است. اینجانب این مطلب را به صراحت گفتم، بگذار عمال اسرائیل به زندگی من خاتمه دهند.» (صحیفه نور، ج ۱: ۴۸-۴۷)

در جای دیگر نیز فرمودند:

«اینجانب دست اخلاص خود را به سوی جمیع مسلمین خصوصاً علمای اسلام و مراجع عظام - اطال الله بقائهم - دراز کرده و از عموم طبقات برای صیانت احکام اسلام و استقلال ممالک اسلامی استمداد می‌کنم و اطمینان دارم با وحدت کلمه مسلمین سیما علمای اعلام صفوف اجانب و مخالفان درهم‌شکسته و هیچ‌گاه به فکر تجاوز به ممالک اسلامی نخواهد افتاد.» (صحیفه نور، جلد ۱: ۴۳)

این توجه امام راحل به رسالت جهانی و مسئولیت در مقابل ملت‌های اسلامی را در اعلامیه ایشان که به مناسبت اولین سالگرد قیام اسلامی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ صادر شده بود نیز می‌توان مشاهده کرد، چنانکه فرمودند:

«ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دول استعمارطلب.» (صحیفه نور، جلد ۱: ۸۴)

۲-۳-۲. اقدامات در دوران تبعید

در پی تصویب لایحه مصونیت مستشاران و تبعه آمریکا در ایران «کاپیتولاسیون»^{۱۷} در زمان نخست‌وزیری منصور در بیست و یکم مهرماه ۱۳۴۳ در مجلس شورای ملی که در واقع سند اسارت ملت و دولت ایران به دست آمریکا بود، امام خمینی (ره) در چهارم آبان ماه همان سال با ایراد سخنرانی مهیج و کوبنده‌ای ضمن افشای خیانت رژیم شاه، موضع نهضت را در برابر استکبار غرب و شرق روشن کردند. بعد از این سخنرانی، اعلامیه تاریخی خود را در تحریم کاپیتولاسیون صادر فرمود. بازتاب سخنرانی و اعلامیه شدیدالحن امام به قدری عمیق و گسترده بود که رژیم را یک‌بار دیگر در برابر طوفانی از خشم و نفرت و اعتراض قرار داد. (عمید زنجانی، ۱۳۶۹: ۴۶۹-۲۶۶)

به دلیل آنکه رژیم شاه ادامه حضور حضرت امام (ره) در ایران را مساوی با زوال حکومت خود می‌دید، تصمیم گرفت با دستگیری و تبعید امام به خارج از کشور خود را از مهلکه نجات دهد. از این رو طبق برنامه‌ای حساب‌شده آن حضرت را در شب سیزدهم آبان ماه ۱۳۴۳ در قم دستگیر و به تهران منتقل کرده و در همان روز با هواپیما به ترکیه تبعید کرد که پس از قریب به یازده ماه تبعید در ترکیه به نجف اشرف (عراق) منتقل شدند.

رژیم پهلوی به خیال واهی خود گمان می‌کرد با تبعید حضرت امام (ره) می‌تواند شعله قیام الهی برای تحقق قطب قدرت اسلامی را خاموش و جلوی آن را بگیرد، اما غافل از آنکه برای مجاهدی مانند حضرت امام (ره) محل و مکان مطرح نبوده، بلکه عمل به تکلیف الهی مطرح است. چنان که مشاهده می‌شود علی‌رغم حضور در تبعیدگاه ثانوی (نجف) رسالت خود را در راه شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی و به حرکت واداشتن ملل اسلامی استمرار می‌بخشند؛ بنابراین، در اولین سخنرانی خود در روز یک‌شنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۴۴ در مسجد شیخ انصاری در حضور انبوهی از علما، فضلا و محصلان علوم اسلامی حوزه علمیه نجف، فرمودند:

«پیغمبر اسلام می‌خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند و تمام ممالک دنیا را تمام ربع مسکون را در تحت یک کلمه - کلمه توحید- قرار بدهد، منتهی اغراض سلاطین آن وقت از

یک طرف، و اغراض علمای نصارا و یهود از طرف دیگر سخت مانع شد ... الان هم گرفتاری ما به خاطر آن‌ها است، الان هم یهود مانع هستند که اسلام ترویج شود، الان هم نصاری مانع هستند که اسلام آن‌طور که هست معرفی شود ... می‌گویند جمعیت مسلمین هفتصد میلیون است، اما هفتصد میلیون متفرق. هفتصد میلیون متفرق به درد نمی‌خورد، هزارها میلیون متفرق هم به درد نمی‌خورد، اما اگر از این هفتصد میلیون متفرق دویست میلیون، چهارصد میلیون دست به دست هم بدهند، دست برادری بدهند، حدود و ثغورشان را حفظ کنند، لیکن در جامعه اسلامی که مشترک مابین همه است، با هم توحید کلمه کنند دیگر یهود بر فلسطین طمع پیدا نمی‌کند، هند به کشمیر طمع نمی‌کند. این مصائب برای این است که نمی‌گذارند شما متحد شوید.» (صحیفه نور، جلد ۱: ۱۲۰)

این خط‌مشی فکری حضرت امام (ره) را می‌توان در پاسخ به پیام‌ها و نامه‌هایی که حوزه علمیه، مقامات روحانی مرکز و شهرستان‌ها برای ایشان ارسال داشته‌اند، دریافت. چنانکه در یکی از آن پاسخ‌نامه‌ها چنین فرمودند:

«تبعید این‌جانب به ترکیه و از آنجا به عراق موجب نگرانی نیست چون در راه ایفای وظیفه و برای دفاع از احکام اسلام و مصالح مسلمین و جلوگیری از نفوذ اجانب به ممالک اسلامی و دفع ظلم و ستم کاری صورت گرفت، امید است حضرات اعلام بیش از پیش خود را برای تفانی در راه احکام مقدسه اسلام و استقلال و تمامیت ممالک اسلامی مهیا و مجهز نمایند.» (همان: ۱۶۸)

زمانی که اشغالگران صهیونیسم در سال ۱۳۴۶ به کشورهای مجاور فلسطین یورش برده و به اشغال سرزمین‌های عربی دست زدند و آسیای جنوب غربی (خاورمیانه) را در پرتگاه جنگی فراگیر و خانمان‌سوز قرار دادند، حضرت امام (ره) هیچ‌گاه از یاد فلسطین اشغالی غافل نشده و همواره ملت‌های مسلمان را به مبارزه و نبرد همه‌جانبه علیه صهیونیسم و آزادی فلسطین دعوت می‌کردند:

«اسرائیل به کمک استعمار، قیام مسلحانه بر ضد ممالک اسلامی کرده است و بر دول اسلامی قلع و قمع آن لازم است. کمک به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت حرام و مخالف با اسلام است، رابطه با اسرائیل و عمال آن چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی حرام و مخالف با اسلام است و باید مسلمین از استعمال امتعه و اجناس اسرائیل خودداری کنند.» (همان: ۲۳۲)

در واقع حضرت امام (ره) با این عمل، مسئولیت اسلامی خود را در راه جهانی کردن نهضت و اتحاد ملل اسلامی مبنی بر قرار گرفتن در زیر بیرق اسلام و تحقق قطب قدرت اسلامی تعقیب می‌کردند. چنانکه در پیامی خطاب به دول اسلامی به تاریخ ۱۳۵۲/۸/۱۶ فرمودند:

«بر عموم دولت‌های ممالک اسلامی و خصوصاً دول عربی لازم است که با توکل به خدای متعال و تکیه بر قدرت لایزال، همه قوا و نیروی خویش را بسیج ساخته به یاری مردان فداکاری که در خط اول جبهه چشم امید به ملت اسلام دوخته‌اند بشتابند و برای آزادی فلسطین و احیای مجد و شرف و عظمت اسلامی، در این جهاد مقدس شرکت کنند ...

سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومه فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته‌اند تنها برای سرکوبی ملت عرب نیست، بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه خاورمیانه است. نقشه، استیلا و سیطره صهیونیسم بر دنیای اسلام و استعمار بیشتر سرزمین‌های زرخیز و منابع سرشار کشورهای اسلامی است و فقط با فداکاری، پایداری و اتحاد دولت‌های اسلامی می‌توان از شر این کابوس سیاه استعمار رهایی یافت.» (صحیفه نور، جلد ۱: ۹۲)

علاوه بر موضوع فلسطین، از موارد دیگر می‌توان به ارسال نامه برای دانشجویان مسلمان مقیم غرب، و صدور فتوایی که می‌توانست در راه بیداری و آگاهی توده‌های مسلمان در سراسر جهان به کار آید و راه را برای خیزش واداشتن آنان بگشاید، نام برد. (همان: ۴۰۵-۳۸۹)

۳-۲. اقدامات بعد از بازگشت به وطن

بازگشت حضرت امام خمینی (ره) در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به ایران و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که به استقرار «نظام اسلامی» انجامید، سبب شد توجه جهانیان به‌ویژه ملل اسلامی و مستضعف، نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش جهان به آن جلب شود.

نگاه به بیرون حضرت امام (ره) در تمامی دوران قبل از انقلاب اسلامی سبب شد ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز رسالت مقدس خود را در راه صدور انقلاب اسلامی و جهانی کردن آن و در نهایت تحقق قطب قدرت اسلامی قاطعانه و سرسختانه تعقیب نمایند، زیرا برای ایشان، صدور انقلاب به منزله تکلیف و عمل به ارزش‌های والای اسلام، یعنی حاکمیت اسلام و احکام مترقی آن در سراسر جهان بود. به همین لحاظ پاسخگویی به ندای مظلومیت سایر مسلمانان و مستضعفان جهان را وظیفه خود و دیگر پیروان اسلام ناب می‌دانستند. چنانکه در دیدار گروهی از دانشجویان عربستان سعودی مقیم ایران به تاریخ ۵۸/۸/۱۱ فرمودند:

«ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم. جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است، پیغمبر اکرم اهل عربستان است لکن دعوتش مال عربستان نبوده، محصور نبوده به عربستان، دعوتش مال همه عالم است.» (صحیفه نور، جلد ۱۰، ۱۱۵)

بر مبنای چنین نگرشی بود که در مناسبتی فرمودند:

«باید تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها بدانند که ما تا آخرین نفر و تا آخرین قطره خون برای اعتلای کلمه الله ایستاده‌ایم و برخلاف میل تمامی آنان، حکومت نه شرقی و نه غربی را در اکثر کشورهای جهان پی‌ریزی خواهیم کرد.» (صحیفه نور، جلد ۱۱، ۲۶۶)

در مناسبتی دیگر نیز فرمودند:

«ما انقلاب مان را به تمام جهان صادر می‌کنیم، چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الاالله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.» (صحیفه نور، جلد ۲۰، ۶۱)

از همان سال‌های اول پیروزی انقلابی اسلامی همواره این پرسش مطرح بود که آیا دولت و نظام اسلامی باید تنها در پی ایجاد رفاه و آسایش برای مردم ایران و سازندگی کشور اسلامی باشد یا اینکه، در کنار این هدف، به هدف بزرگ‌تر انقلاب اسلامی که آزادی همه ملل تحت ستم و تشکیل قطب قدرت جهانی اسلام است، نیز بیندیشید؟ تفکری که به تدریج بر افکار مسئولان نظام اسلامی حاکم شد، این بود که چون ایران به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام مطرح است، پس باید ابتدا به فکر توسعه و سازندگی در داخل کشور بود و ان‌شاءالله در آینده که از آبادی و سازندگی ایران اسلامی فارغ شدیم به فریاد دیگر ملل مظلوم هم می‌خواهیم رسید و برای حاکمیت جهانی اسلام هم برنامه‌ریزی می‌کنیم! اما در مقابل تفکر «ام‌القرای»، امام راحل (ره) با ژرفاندیشی تمام و با پشتوانه عظیم اعتقاد به انقلاب جهانی حضرت حجت (ع)، مسئولان نظام را از اینکه تنها به ایران بیندیشند، بر حذر داشته‌اند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۷۷: ۸-۴) در واقع، دیدگاه حضرت امام (ره) یک دیدگاه وسیع فراملی و جهانی بود. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۴) چنانکه قاطعانه فرمودند:

«مسئولان باید بدانند که انقلاب ما محدود ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فدا، است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند؛ خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.» (صحیفه نور، جلد ۲۱، ۱۰۸)

استنباط از این فرمایش امام راحل (ره) آن است که ایشان جهانی کردن نهضت اسلامی را به منظور حاکمیت بخشیدن اسلام در سراسر جهان و کوتاه کردن دست استعمارگران و صهیونیسم در کشورهای اسلامی و مستضعف حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تعقیب کرده‌اند و هرگز از محقق ساختن ایده جهان‌شمولی اسلام و تشکیل قطب قدرت اسلامی و مبارزه بی‌امان خویش علیه قدرت‌های استکباری خسته و ناتوان نشده، بلکه با ایمان کامل به راه ادامه داده‌اند، زیرا

ایشان معتقد بودند انقلاب اسلامی ایران مقدمه‌ای برای انقلاب عظیم منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) است:

«ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلاب مان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی (ص) است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم.» (صحیفه نور، جلد ۲۰، ۱۳۲)

نمود عینی توجه ایشان در تحقق قطب قدرت اسلامی، دستور به تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان است، چنانکه در پیام مهمشان خطاب به زائران بیت‌الله الحرام به تاریخ ۱۳۶۶/۵/۶ فرمودند:

«ملت‌های مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازش‌کاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته‌ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمین‌های غصب شده و مسلمان این خطه را به تباهی کشیده‌اند به دنیا اعلام و نگذارند این خائن بر سر میز مذاکره‌ها و رفت و آمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین [را] خدشه‌دار نمایند ... مردم ما و ملت‌های اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه‌کن کردن آن، دست نخواهند کشید و به یاری خداوند تعالی از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد - صلی‌الله علیه و آله وسلم - و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌الله در سراسر جهان اسرائیل را از گذشته جنایت‌بار خود پشیمان و سرزمین‌های غصب‌شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج کرد.» (همان، ۱۱۵-۱۱۴)

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات ترکیبی (کیفی - کمی) است که در بخش کیفی آن، از طریق مطالعات اکتشافی و تحلیل محتوای مطالعات انجام‌شده، تعداد ۱۲ راهبرد اولیه شناسایی و احصا شدند. در بخش کمی تحقیق نیز هر یک از این راهبردها در قالب یک فرضیه مطرح شده و از طریق پرسشنامه و نظرسنجی از خبرگان آشنا به موضوع تحقیق، این فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند و با انجام آزمون‌های آماری مرتبط، ۷ راهبرد ارائه شد.

۴. تحلیل محتوای مطالعات انجام‌شده

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین انقلاب ارزشی و فکری بود که در عصر حاضر به پیروزی رسید و تاریخ‌ساز شد. انقلاب اسلامی با به صحنه آوردن ایدئولوژی و جهان‌بینی و ایجاد حاکمیت دینی فصلی نو را در تاریخ رقم زده و مبانی

ابرقدرت‌های شرق و غرب را متزلزل کرد. انقلاب اسلامی یک نهضت نرم‌افزاری بود که هم توانست برای احیا و بازسازی تفکر دینی عمل کند و هم در جهت ارائه یک شیوه جدید برای حکومت و حاکمیت که از آن به مردم‌سالاری دینی تعبیر می‌شود و از این طریق توانست آرمان‌های خود را به جهانیان عرضه کند و سردمدار جنبش نرم‌افزاری و قطب قدرت در جهان اسلام شود و نیز به عنوان مرکز ثقل جهان اسلام، در گفتمان‌سازی، نظریه‌پردازی و آرایه‌اندیشه انقلابی به صورت جذاب، عملی، کارآمد و منطقی، توفیق نظری داشته باشد. (هژبری و خرم‌شاد، ۱۳۹۴: ۱۲۸-۱۲۷) تجربه حکومت دینی در انقلاب اسلامی، الگوی سیاسی غالب در شکل‌گیری گرایش‌های اسلامی کشورهای غرب آسیا شده است. احیای عنصر دین در انقلاب اسلامی ایران، سبب شده این انقلاب، الهام‌بخش حرکت‌های آزادی‌خواهانه و رهایی‌جویانه در جهان باشد. (مسعودنیا و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۳)

امام راحل (ره) همان‌گونه که رسالت اصلی خویش را شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی و نابودی نظام سلطه اعلام کرده بودند، برای ملل مسلمان و مستضعف جهان راهبردهای رسیدن به آن هدف و رسالت را نیز مشخص و معین کرده بودند.

مهم‌ترین راهبردهای تحقق قطب قدرت اسلامی از دیدگاه حضرت امام (ره) عبارت‌اند از:

۱. ایمان و توکل به خدا

ایمان عبارت است از اعتقاد و باور قلبی‌ای که دل را به یاد خدا خاشع و فروتن می‌سازد (سوره حدید/ آیه ۱۶)، سعادت اخروی انسان‌ها را تأمین می‌نماید (سوره حدید/ آیه ۱۹) و از ظلمت به سوی نور هدایت می‌کند. (سوره بقره/ آیه ۲۵۷) در واقع، ایمان رابطه محکم و نیروی درونی است که انسان با معبود خود برقرار می‌سازد تا به آنچه موجب رضایت خداوند است دست یابد. تمام اعمال نیکو و پسندیده انسان از ایمان کامل منشأ می‌گیرد، هر چه ایمان و اعتقاد انسان به خداوند تبارک و تعالی بیشتر و محکم‌تر باشد، رفتار نیک و شایسته او نیز زیادتر است، زیرا ایمان هم به زبان است هم به عمل و هم به تمامی اعضا و جوارح، یعنی تمام ارکان بدن انسان باید بدان عمل کرده، گواهی دهند.

اما توکل، واگذار کردن تمام امورات به صاحب آن و اعتماد کردن [بر] وکالت او است. (خمینی، ۱۳۷۴: ۲۱۷) زمانی که انسان در حصول به یک هدف یا مقصد دچار مشکل می‌شود و راه را بازمی‌یابد، لاجرم باید به کسی یا چیزی که اعتماد به او دارد تکیه نماید تا به سر منزل مقصود برسد. در اسلام این فاعل و این تکیه‌گاه خداوند متعال است که فرد با ایمان دست نیاز و تضرع به سوی او دراز می‌کند و با اصرار به عجز و ناتوانی در رسیدن به مقصد خود از او مدد می‌جوید.

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) که سراسر وجود مبارکش مملو از نور ایمان و توکل به خداوند سبحان بود، ضمن توصیه به همگان در توجه و توکل به پروردگار، به عنوان منشأ پیروزی و سرفرازی کشور و ملت، در تاریخ ۵۸/۱/۱۷ در جمع گروهی از مردم

فلسطین، لیبی، عراق و مصر، مهم‌ترین عامل غلبه در برابر قدرت‌ها را ایمان و توکل به خدا نام برده و فرمودند:

«ما به قدرت طبیعی بر این مشاکل و بر این مصیبت‌هایی که وارد شده است فائق نیامده‌ایم برای اینکه قدرت ما به حسب طبیعت یک قدرت بسیار ناچیز بود در مقابل قدرت‌های بسیار بزرگ، مثل قدرت آمریکا و قدرت شاه سابق، با آن ابزاری که این‌ها در دست داشتند. ما به این‌ها که غلبه کردیم، ملت ما که در این نهضت پیروز شد این فقط برای اتکال به خدا بود.» (صحیفه نور، جلد ۵، ۲۶۲)

۲. اتحاد و برادری

از جمله نقش‌های اهریمنی که استعمارگران در طول تاریخ تعقیب می‌کردند، سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن^{۱۸} بود. آنان با قرار دادن فرقه‌ای در برابر فرقه‌ای دیگر، نژادی را در مقابل نژاد دیگر و تقویت جنبش‌های ناسیونالیستی از وحدت و تشکل ملت‌ها ممانعت به عمل می‌آوردند، زیرا وحدت مردم تهدیدی جدی در مقابل برتری آن‌ها به شمار می‌رفت. از طرف دیگر کنترل اتباع دشمنان متفرق آسان‌تر از کنترل اتباع دشمنان متحد بوده است. در نتیجه به سودشان بود تا استعمارشوندگان را بیشتر ضعیف نگه داشته، و با ایجاد شکاف میانشان، آنان را از هم جدا سازند: «مخالفین ما کوشش می‌کنند که در تمام جاهایی که ممالک مستضعفین هست و ملت‌های مستضعف هست، چه ملت‌های اسلامی و چه ملت‌های غیراسلامی که مستضعف هستند، کوشش می‌کنند که با فعالیت‌های متعدد بین این‌ها تفرقه بیندازند، ممالک را از هم جدا کنند، کشورهای اسلامی را از هم جدا کنند، ملت‌های اسلامی را از هم جدا کنند و لهذا می‌بینید که گویندگانشان، ... جدیت دارند که بین برادرهای مسلم تفرقه بیندازند و یا هر طوری شده است برادرهای مسلم را از هم جدا کنند.» (صحیفه نور، جلد ۱۳، ۲۴)

امام روشن‌ضمیر، با آگاهی و شناخت از این کید دشمنان، در جای‌جای سخنان و پیام‌هایشان امت اسلامی و ملل مستضعف را به حفظ این استراتژی دعوت کرده، آن را عامل مهم در تحقق قطب قدرت اسلامی قلمداد کردند. چنانکه در مصاحبه با روزنامه لبنانی السفير به تاریخ ۵۷/۹/۲ فرمودند:

«پیام من برای برادران عرب و مسلمان این است که بیایید اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و همگام و هم پیمان با همه برادران مسلمان و غیر عرب، تنها اسلام را تکیه‌گاه خود قرار دهید. تنها با داشتن ذخائر مادی که از حساب افزون است و از همه آن‌ها مهم‌تر ذخیره الهی و معنوی که اسلام است، می‌توانید قدرتی باشید که هرگز ابرقدرت‌ها هوس تسلط بر شما را نکنند و این‌گونه شما را از چپ و راست مورد حمله قرار ندهند و همه چیزتان را غارت نکنند.» (صحیفه نور، جلد ۳، ۲۳۸)

۳. نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری

ملل اسلامی بر اساس موازین اسلامی نه تنها حق تجاوز بر حقوق دیگران و اعمال سلطه بر آن‌ها را ندارند، بلکه خود نیز هرگز نباید تحت انقیاد دیگران قرار گیرند. اسلام، استکبار را که مبین نوعی سلطه‌گری و سلطه‌جویی و استثمار خیل عظیم توده‌های مستضعف و محروم است را محکوم می‌کند و روابط در چنین سیستمی را کفر تلقی می‌کند. (زمر، آیه ۵۹) بنابراین، مؤمنان نه تنها مجاز نیستند کافران را ولی، سرپرست و دوست خود قرار دهند (آل عمران، آیه ۲۰)، بلکه حق دوستی و پذیرش سرپرستی گروه دشمن خدا را ندارند. (ممتحنه، آیه ۱)

امام راحل (ره) ضمن اعلام برنامه مکتب اسلام در این خصوص در دو کلمه با عنوان لا تُظْلَمُونَ وَ لَا تُظَلِّمُونَ، در جمع سفراء و ابستگان نظامی و دیپلمات‌های خارجی مقیم ایران به تاریخ ۵۹/۱۱/۲۲ فرمودند:

«ما تحت رهبری پیغمبر اسلام این دو کلمه را می‌خواهیم اجرا کنیم نه ظالم باشیم و نه مظلوم. ما در طول تاریخ مظلوم بودیم، از همه جهات مظلوم بودیم، و ما امروز می‌خواهیم که مظلوم نباشیم و ظالم هم نباشیم. ما تعدی به هیچ کشوری، به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد و تجاوز به هیچ فردی نخواهیم کرد و نباید بکنیم و تجاوز به هیچ کشوری، نخواهیم کرد و نباید بکنیم، اما از تجاوز دیگران هم باید جلوگیری کنیم و مردم ما امروز از زن و مرد، صغیر و کبیر عازم این هستند که در مقابل تجاوزهایی که تاکنون به آن‌ها شده است و امروز جلوگیری شده است بایستند و جان خودشان را فدای آزادی و استقلال و فدای بیرون رفتن از زیر بار ظلم کنند و ما از همه ملت‌ها و از همه دولت‌ها این توقع انسانی را داریم.» (صحیفه نور، جلد ۱۴، ۶۶)

۴. سازش‌ناپذیری در مقابل دشمن

در نظام‌های سیاسی و انقلاب‌ها، معمولاً عده‌ای برای رسیدن به مطامع ناچیز دست از مبارزات سیاسی و بیکار نظامی شسته و همه آرمان‌ها و اصول را فدای امیال و منافع شخصی یا درون گروهی خود می‌کنند و با تطمیع از میدان به در می‌روند- تاریخ بارها این مسئله را نشان داده که به‌طور نمونه می‌توان ایران زمان دوره قاجار و پهلوی را مثالی در این مورد ذکر کرد- امام راحل (ره) با تقبیح و محکوم کردن روح سازش‌کارانه، آن را ظلم به بشریت ذکر کرده، قاطعانه اعلام کرده‌اند:

«آن‌هایی که به ما اشکال می‌کنند که شما چرا سازش نمی‌کنید با این قدرت‌های فاسد، آن‌ها از باب اینکه همه چیز را با چشم مادی ملاحظه می‌کنند، با چشم طبیعی حل و فصل اشیا را می‌کنند. آن‌ها نمی‌دانند که انبیای خدا چه رویه‌ای داشتند. با ظالم چطور برخورد می‌کردند. یا می‌دانند و خودشان را به کوری و کری زدند. سازش با ظالم، ظلم بر مظلومین است؛ سازش با

ابر قدرت‌ها، ظلم بر بشر است. آن‌هایی که به ما می‌گویند سازش کنید، آن‌ها یا جاهل هستند یا مزدور، سازش با ظالم؛ یعنی این که دست ظالم را باز کن تا ظلم کند، این خلاف رای تمام انبیاست. انبیای عظام، تا آن جا که توانستند جدیت کردند که ظلم را از این بشر ظالم بزایند.» (صحیفه نور، ج ۱۹، ۲۰-۱۹)

آن حضرت در دیدار با گروهی از اعضای جنبش امل لبنان نیز در این باره فرمودند: «شما [دولت‌های منطقه] متوقعید ما در مقابل امریکا و اسرائیل و دیگر ابرقدرت‌ها که می‌خواهند منطقه را ببلعند، بی تفاوت باشیم؟ نه ما با هیچ‌کدام از ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها سر سازش نداریم، نه تحت سلطه امریکا می‌رویم و نه زیر بار شوروی. ما مسلمانیم و می‌خواهیم زندگی کنیم. ما می‌خواهیم زندگی فقیرانه داشته باشیم، ولی آزاد و مستقل باشیم، ما این پیشرفت و تمدنی که دستان پیش اجانب دراز باشد را نمی‌خواهیم، ما تمدنی را می‌خواهیم که بر پایه شرافت و انسانیت استوار باشد و بر این پایه صلح را حفظ کند. ابرقدرت‌ها می‌خواهند انسانیت انسان‌ها را تحت سلطه قرار دهند. ما و شما^{۱۹} و هر مسلمانی مکلف است در مقابل آن‌ها بایستد و سازش نکند.» (صحیفه نور، جلد ۱۵، ۲۰۹)

۵. اهتمام به فرهنگ اسلامی

بدون تردید یکی از علل عقب‌ماندگی جهان اسلام را باید در دوری از اسلام اصیل و تحریف آن جست‌وجو کرد. تأکیدهای مکرر حضرت امام (ره) در قرائت‌های نادرست از اسلام و اصرار ایشان در به‌کارگیری اصطلاحاتی چون اسلام امریکایی، اسلام مقدس‌نماهای متحجر، اسلام سرمایه‌داران و مرفهین بی‌درد، در برابر اسلام مستضعفان و محرومان و اسلام ناب محمدی (ص)، حاکی از این واقعیت است که فرهنگ و تمدن اسلامی در دوره‌های معاصر و پیش از آن دچار تحریف و سوءبرداشت‌های نادرستی شده است که ادامه آن، دوری هر چه بیشتر از اسلام اصیل را در پی داشته و عواقب جبران‌ناپذیری را رقم می‌زد. (هژبری و خرم‌شاد، ۱۳۹۴: ۱۳۴)

اهتمام به هویت اصلی خویش و پاسداری از آن، مایه سرفرازی در میان ملل دنیا و نشان از استقلال فرهنگی و در نهایت استقلال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. توجه به فرهنگ اصیل و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود، همراه با پیراستن فرهنگ عمومی از آداب و سنن و رفتارها و مفاهیم ناصواب و نادرست و مبارزه با ابتدال فرهنگی و عدم خودباختگی در برابر اجانب، موجب حفظ و احیای دستاوردهای تمدن و فرهنگ اصیل می‌شود؛ بنابراین، تقویت همه‌جانبه این عنصر مهم و ارزشمند و بسط و گسترش آن موجب انتباه و بیداری ملت و عدم نفوذ و رخنه فرهنگ بیگانه بر سیستم سیاسی خواهد شد. معمولاً بعد از مبارزه و مقابله با قدرت‌های استعماری و به دست آوردن استقلال سیاسی، هر ملتی در صورت سهل‌انگاری و

عدم توجه به فرهنگ اصیل خویش، مجدداً راه تداوم سلطه استعماری را هموار می‌کند؛ از این‌رو، توجه به این عنصر حیاتی برای هر ملتی مهم و حائز اهمیت است. از نظر امام راحل (ره) فرهنگ مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که می‌تواند هر ملتی را به تباهی یا به اوج عزت و قدرت بکشاند. هیچ ملتی نمی‌تواند به مجد و عظمت خود برسد، مگر اینکه فرهنگ و اصالت خود را بازیابد، زیرا اساساً فرهنگ هر جامعه استقلال، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است. به همین دلیل است که آن امام روشن‌ضمیر فریاد برآوردند:

«ای مسلمانان جهان... بر فرهنگ اسلام تکیه کنید و با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غرب زده و شرق زده بتازید و هویت خویش را دریابید که روشنفکران اجیر شده بلایی بر سر ملت و مملکتشان آورده‌اند که تا متحد نشود و دقیقاً به اسلام راستین ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تاکنون گذاشته است... بدانید که قدرت معنوی شما بر همه قدرت‌ها چیره و قریب یک میلیارد جمعیت شما با خزائن بی‌پایان می‌تواند تمام قدرت‌ها را درهم‌شکند. نصرت کنید خدا را تا نصرت دهد شما را.» (صحیفه نور، جلد ۱۳: ۸۳)

۶. تحمل سختی‌ها و مشکلات

زندگی آدمی همواره در معرض حوادث و بلیه‌های ناگوار است، و از این‌گیزی نیست. بیماری‌ها، آسیب‌های جسمی، خسارت‌های مالی، محرومیت‌ها، جنگ و ستیز و غیره بخش‌های متنوع و رنگارنگی از این سرگذشت اجتناب‌ناپذیر بشر است. در برخی از این پیشامدها که البته به‌طور قهری و بدون میل و اراده انسان در زندگی او رخ می‌کند، هرگونه عکس‌العملی از مردم بروز می‌کند. بعضی در برابر مصیبت و مشکلات مقاومت خود را از دست داده و دچار شکستگی روحی می‌شوند، و گروهی دیگر، بار مصائب و شدائد را تحمل کرده و خود را از هنگامه آن سربلند خارج می‌سازند. امام راحل (ره) تحمل سختی‌ها و مشکلات در مبارزه با نظام سلطه و تحقق قطب قدرت اسلامی را مایه سرافرازی و عزت دانسته و فرمودند:

«در این دنیا کسانی که برای شرافت خودشان، برای شرافت اهل ملت شان، برای شرافت اسلام اموری را انجام می‌دهند، کارهایی را انجام می‌دهند اگر در دنبالش استقامت داشته باشند، آن‌ها را حوادث نلرزاند، این‌ها به مقاصد می‌رسند، برای اینکه استقامت یک امر مهمی است و مشکلی... ملتی که بخواهد شرافت خودش را حفظ کند، اسلام را که مبدأ همه شرافت‌هاست بخواهد حفظ کند، این ملت باید علاوه بر جهاد، استقامت در جهاد داشته باشد، استقامت معنایش این است که اگر گرفتاری‌هایی پیدا شد در جهاد، اگر در جنگ‌هایی که پیش می‌آید برای یک ملتی که می‌خواهد شرافتمند باشد، می‌خواهد اسلام را و نهضت اسلامی را به ثمر

برسانند، از مشکلات هراس نداشته باشد، در مشکلات سستی نکند، این امر خداست. خدای تبارک و تعالی که دفاع را بر همه ملت و بر همه مسلمین واجب کرده است... به همه ملت‌ها امر فرموده است که پایدار باشید، استقامت کنید. استقامت در امر از خود امر مشکل‌تر است. چه بسا پیروزی‌هایی که برای یک ملتی پیش می‌آید برای اینکه استقامت در آن امر که موجود شده است ندارند، سستی می‌کنند آن پیروزی از دستشان می‌رود.» (صحیفه نور، جلد ۱۳، ۲۴۰-۲۳۹)

امام راحل (ره) با بیان وجود دشواری‌ها، مرارت‌ها و مشقت‌ها در راه حق و حقیقت، ضمن دعوت ملل و مستضعف به تحمل آن سختی‌ها و ایستادگی در مقابل ستم متجاوزان برای رسیدن به قطب قدرت اسلامی، اعلام کردند:

«مردم شریف ایران و مسلمانان و آزادی‌خواهان تمامی جهان باید بدانند که اگر بخواهند بدون گرایش به چپ و راست و مستقل از هر قدرت و ابرقدرتی روی پای خویش بایستند، باید بهای بسیار گران استقلال و آزادی را پردازند. تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خون بهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزل‌ها و به آتش کشیده شدن خرمن‌های کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمب‌گذاری‌ها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب به دست آورده و با فداکاری‌ها و مجاهدات، انقلاب و کشور خود را بیمه کرده است... روشنفکران اسلام همگی با علم و آگاهی باید راه پرفراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه داری و کمونیزم را ببینند و تمام آزادی‌خواهان باید با روشن‌بینی و روشن‌گری، راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان می‌گویم اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشاند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگ‌های کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.» (صحیفه نور، جلد ۲۰، ۱۱۸-۱۱۷)

۷. تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان

ساختار نظام جهانی در واقع تسلط ظالم بر مظلوم در تمام ابعاد آن اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی است که یک رابطه ظالمانه و غیرانسانی است. سلطه‌گر در این نظام به دنبال تأمین منافع و عایدات خود از طریق به یغما بردن تمامی امکانات و ثروت بومی و منابع تحت سلطه است و به غیر از این نیز راضی نمی‌شود. اگر چه ممکن است چهره کریه شیطانی خود را در زیر نقابی از واژه‌ها و اصطلاحات علمی همچون اعطای کمک‌های خارجی، صدور سرمایه، دفاع از حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و غیره مخفی نگه دارد، اما مقصود اصلی آن است تا از

طریق بهتر بتواند اعمال خود را توجیه کرده، ادامه حیات خویش را در کشورهای ضعیف و عقب‌مانده استحکام بخشیده و مشروعیت دهد.

امام راحل (ره) ضمن دعوت از ملل اسلامی و مستضعف در بسیج همه توانمندی‌های بالفعل برای بی‌نیاز کردن جامعه از بیگانگان و اکتفا به توانایی‌های خویش، استراتژی آزادسازی انرژی مترکم جهان اسلام را برای برهم زدن تعادل قوا در جهان ارائه کرده، (صحیفه نور، جلد ۲۰، ۲۳۱) فرمودند:

«مسلمانان تمامی کشورهای جهان! از آن جا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید و از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید، به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید، بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید که عزت و حیات در سایه مبارزه است و اولین گام در مبارزه اراده است.» (همان، ۲۳۲)

بنابراین:

«مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود. و هر روز شیطان بزرگ [امریکا] یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند.» (همان، ۲۳۳)

امام امت آنگاه راه مقابله با نظام سلطه و برهم زدن تعادل قوا در جهان به منظور فتح سنگرهای کلیدی برای تحقق قطب قدرت اسلامی، ایجاد هسته‌های مقاومت در سراسر دنیا معرفی کرده، فرمودند:

«اگر به کشوری ندای دلنشین تفکر بسیجی طنین اندازد. چشم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد شد و الا هر لحظه باید منتظر حادثه باشیم... باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، زیرا بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد در مقابل شرق و غرب ایستاد.» (صحیفه نور، جلد ۲۱، ۵۳-۵۲)

۵. فرضیه‌های تحقیق و تحلیل‌های آماری

همان‌طور که اشاره شد، در بخش کیفی تحقیق، راهبردهای شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی با استفاده از تحلیل محتوای بیانات حضرت امام (ره) احصا شدند. برای اعتبارسنجی این راهبردها از دیدگاه خبرگان، در بخش کمی تحقیق ابتدا فرضیه‌های زیر مطرح شده است:

فرضیه ۱: ایمان و توکل به خدا، جزء راهبردهای تحقق قطب قدرت اسلامی از دیدگاه حضرت امام (ره) است.

فرضیه ۲: اتحاد و برادری، جزء راهبردهای تحقق قطب قدرت اسلامی از دیدگاه حضرت امام (ره) است.

فرضیه ۳: نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، جزء راهبردهای تحقق قطب قدرت اسلامی از دیدگاه حضرت امام (ره) است.

فرضیه ۴: سازش‌ناپذیری در مقابل دشمن، جزء راهبردهای تحقق قطب قدرت اسلامی از دیدگاه حضرت امام (ره) است.

فرضیه ۵: اهتمام به فرهنگ اسلامی، جزء راهبردهای تحقق قطب قدرت اسلامی از دیدگاه حضرت امام (ره) است.

فرضیه ۶: تحمل سختی‌ها و مشکلات، جزء راهبردهای تحقق قطب قدرت اسلامی از دیدگاه حضرت امام (ره) است.

فرضیه ۷: تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان، جزء راهبردهای تحقق قطب قدرت اسلامی از دیدگاه حضرت امام (ره) است.

در بخش بعدی با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب، هر یک از این فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده برای آزمون این فرضیه‌ها، پرسشنامه است. به عبارت دیگر، محقق با استفاده از روش غیراحتمالی یا آگاهانه، پرسشنامه تحقیق را بین ۵۶ نفر از خبرگان توزیع کرد که در جدول شماره ۱ ضرایب آلفای کرونباخ، میانگین و انحراف معیار مربوط به هر راهبرد نیز نشان داده شده است.

جدول ۱: پایایی، میانگین و انحراف معیار مربوط به هر راهبرد

راهبرد	میانگین	انحراف معیار	آلفای کرونباخ
ایمان و توکل به خدا	۴۸,۵۱۵۳	۶۵,۷۰۴	۰,۹۳۷
اتحاد و برادری	۴۸,۳۵۹۰	۶۵,۹۴۴	۰,۹۳۹
نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری	۴۸,۴۳۰۵	۶۵,۳۶۲	۰,۹۳۶
سازش‌ناپذیری در مقابل دشمن	۴۸,۳۶۷۵	۶۳,۰۹۲	۰,۹۳۴
اهتمام به فرهنگ اسلامی	۴۸,۳۹۳۳	۶۴,۹۳۶	۰,۹۳۵
تحمل سختی‌ها و مشکلات	۴۸,۶۴۹۵	۶۱,۶۱۱	۰,۹۳۲
تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان	۴۸,۶۴۵۶	۶۱,۴۹۳	۰,۹۳۵

با توجه به نرمال بودن نمونه آماری، از آزمون تی برای تحلیل هر یک از فرضیه‌های تحقیق، استفاده شده که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آماره استنباطی مربوط به هر راهبرد

راهبرد	ارزش = ۳					
	حد بالا	حد پایین	انحراف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	تی
ایمان و توکل به خدا	۱,۶۹۹۶	۱,۵۰۲۸	۱,۶۰۱۱۹	۰۰۰	۵۵	۳۲,۶۰۸
اتحاد و برادری	۱,۶۶۴۱	۱,۴۵۸۳	۱,۵۶۱۲۲	۰۰۰	۵۵	۳۰,۴۱۳
نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری	۱,۶۷۰۵	۱,۴۰۰۹	۱,۵۳۵۷۱	۰۰۰	۵۵	۲۲,۸۳۷
سازش‌ناپذیری در مقابل دشمن	۱,۷۰۵۲	۱,۴۳۷۷	۱,۵۷۱۴۳	۰۰۰	۵۵	۲۳,۵۵۰
اهتمام به فرهنگ اسلامی	۱,۷۳۹۱	۱,۴۷۵۲	۱,۶۰۷۱۴	۰۰۰	۵۵	۲۴,۴۰۵
تحمل سختی‌ها و مشکلات	۱,۷۶۶۰	۱,۴۴۸۳	۱,۶۰۷۱۴	۰۰۰	۵۵	۲۰,۲۷۳
تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان	۱,۷۳۹۷	۱,۴۰۳۲	۱,۵۷۱۴۳	۰۰۰	۵۵	۱۸,۷۱۵

۵. نتیجه‌گیری

تا قبل از انقلاب اسلامی هیچ تحولی در دنیا رخ نمی‌داد، مگر اینکه وابسته به یکی از دو ابرقدرت امریکا و شوروی بود. پیروزی انقلاب اسلامی، بدون وابستگی به هیچ یک از این دو ابرقدرت، این قاعده متعارف در آن زمان را زیر سؤال برد و در بی‌اعتبارسازی نظام دو قطبی حاکم بر عرصه بین‌الملل بسیار مؤثر بود. با از بین رفتن نظام دو قطبی، امریکا تلاش کرد خود را به عنوان تنها قطب قدرت جهانی مطرح کند، اما جمهوری اسلامی با ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و دست‌درازی‌های امریکا در همه مسائل و موضوعات نشان داد که از توانایی بر عهده داشتن رهبری بلوکی از کشورها و ملت‌های محروم و مستضعف، برخوردار است و می‌تواند نظم جدیدی که امریکا به دنبال حاکم کردن آن بود را به چالش گیرد و امیدی برای تمامی آنانی باشد که از ترتیبات حاکم بر نظام بین‌الملل ناراضی هستند.

انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به پیروزی رسید که این تصور بر دنیا حاکم بود که دین و معنویت باید از عرصه حیات سیاسی اجتماعی کنار زده شود و اساساً دین و معنویت مربوط به امور فردی است نه امور سیاسی اجتماعی. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضرت امام (ره) توانسته بودند با قیام الهی - مردمی خویش در میان نخبگان و دانشمندان، تمدن جدید، اندیشه و تفکر دینی را احیا کرده، خط بطلان بر شعار جدایی دین از سیاست بکشند. انقلاب اسلامی ثابت کرد که هم می‌توان دین‌دار بود و هم می‌توان تحول سیاسی اجتماعی ایجاد کرد. از این جهت این

انقلاب در ترویج روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در میان دین‌باوران دنیا بسیار الهام‌بخش بوده است، به گونه‌ای که در اثر پیروزی انقلاب اسلامی، روح تازه‌ای در جنبش‌های اسلامی و نهضت‌های رهایی‌بخش در سراسر دنیا از جمله در میان مردم افغانستان، مصر، الجزایر، لبنان، تونس، عراق، سوریه، فلسطین و غیره دمیده شد و این جنبش‌ها دور جدیدی از فعالیت‌های خود را آغاز کردند.

اگر سال‌هاست که دشمنان اسلام و قرآن با تمام توان و نیروی خود نتوانسته‌اند شعله‌های قیام مظلومانه «انتفاضه» را در سرزمین اشغالی فلسطین خاموش گردانند، اگر در قلب قاره اروپا فریاد اسلام‌خواهی مسلمانان به گوش می‌رسد، اگر در آسیای میانه، با کم رنگ شدن کمونیسم و گسترش آموزه‌های دینی پس از سالیان متمادی بانگ الله اکبر و شهادت به رسالت نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص) شنیده می‌شود، اگر مبارزه با صهیونیسم در عرصه جهانی تقویت شده است، اگر ایجاد فرهنگ و تفکر ظلم‌ستیزی و نفی سلطه‌طلبی در جهان شعار بسیاری از ملل مظلوم و مستضعف شده است، اگر مشاهده می‌شود بعد از انقلاب اسلامی صدها کتاب در مورد نقش مذهب به‌ویژه تشیع پرداخته‌اند و خیزش اسلامی در سایر کشورها ملاحظه می‌شود، همه این‌ها به برکت و تالّو این مشعل فروزان و درخشنده قرن بیستم یعنی حضرت امام خمینی (قدس سره) است که با یک هدایت معنوی برنامه‌ریزی‌شده و دقیق توانستند بستر مناسبی را برای تحقق قطب قدرت اسلامی در نظام بین‌الملل پدید آورند. اگر اندیشه امام (ره) اندیشه ایران بود، اگر محور فقط ایران بود، هیچ دلیلی نداشت امثال امام باقر صدر، عارف حسینی، شیخ راغب حرب، سید عباس موسوی و غیره روی اندیشه‌های امام (ره) مستحکم باشند و خود را به خطر اندازند و شهید شوند، بلکه آن‌ها فهمیدند که اندیشه امام (ره) بر پایه اسلام ناب قرار دارد و دفاع ایشان دفاع از مکتب اسلام و تحقق قطب قدرت اسلامی در نظام بین‌الملل است؛ بنابراین، از اندیشه‌های امام (ره) دفاع و با استکبار به مبارزه برخاستند.

در شرایط کنونی نیز مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران به ویژه دستگاه دیپلماسی کشور باید با همت و مدیریت جهادی ضمن معرفی چهره واقعی اسلام ناب محمدی در برابر اسلام امریکایی - که خطرناک‌ترین توطئه و ترفند دشمنان اسلام هم تحریف اسلام ناب و ارائه چهره واژگون آن است - برای ایجاد ائتلاف و اتحادی مستحکم، مرکب از کشورهای جهان اسلام و کشورهای در حال توسعه به منظور تثبیت قطب قدرت اسلامی در نظام نوین بین‌الملل که مبتنی بر معنویت، عدالت و عقلانیت است، ایفاگر نقش مهمی باشد، زیرا امام راحل (ره) فرمودند:

«ما این واقعیت را و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی مان بارها اعلام کرده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می‌گذرانند از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری

و کمونیزم در جهان هستیم، ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ نظامی‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند، نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را در جهان استکبار ترویج نماییم و دیر یا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود.» (صحیفه نور، جلد ۲۰، ۲۳۲)

در پایان، لازم به ذکر است که با توجه به نتایج آزمون‌های آماری انجام‌شده، ۷ راهبرد شناسایی‌شده مورد اجماع نظر خبرگان بوده است و از اعتبار بالایی برخوردارند. این راهبردها



در شکل ۱ نشان داده شده است.

شکل ۱: راهبردهای شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی از دیدگاه حضرت امام (ره)

یادداشت‌ها

1. super power

۲. کشورهای بزرگ (قدرت‌های بزرگ) جهان، به کشورهایی اطلاق می‌شود که از نظر قدرت در سطح بالایی قرار دارند، ولی هنوز به پایه ابرقدرت‌ها نرسیده‌اند و در رتبه‌ای پس از آنها قرار دارند (مثلاً در سلاح اتمی، نفوذ دیپلماتیک و غیره) کشورهای فرانسه، انگلستان و چین در این راستا ارزیابی می‌شوند.

3. veto

4. Arrogance

۵. مواد ۱ (۲) و ۲ (۱) منشور ملل متحد

۶. ماده سوم اعلامیه ۲۴/اکتبر ۱۹۷۰ سازمان ملل متحد

7. Colonialism

۸. نیکسون، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، در استراتژی جدیدش که به استراتژی دو ستونی (ستون نظامی ایران و ستون مالی عربستان) مشهور شد، با توجه به موقعیت استراتژیک خاص ایران، پتانسیل قدرت ایران، ویژگی‌های شخصی محمدرضاشاه و این که ایران کشوری عربی نبود و از مناقشه اعراب و اسرائیل فاصله داشت، شاه ایران را ژاندارم خود در منطقه کرد و در مدتی اندک قرارداد فروش میلیاردها دلار اسلحه را با ایران امضا کرد. به نقل از (Shahin Mossavar Rahmani, 1989, pp 110-111)

9. Containment

۱۰. پیمان آنزوس به پیمان سه‌جانبه امنیت استرالیا، زلاندنو و آمریکا گفته می‌شود. بر اساس این پیمان سه کشور توافق کردند که هرگونه حمله مسلحانه به یکی از طرفین در حوزه اقیانوس آرام، منجر به اقدامات لازم از سوی طرفین خواهد شد.

11. Non- Aligned Movement (NAM)

12. Strategic Concensus Policy

۱۳. کشف‌الاسرار، اثری سیاسی، عقیدتی و اجتماعی است که در سال ۱۳۲۳ یعنی دو سال پس از عزل رضاخان از سلطنت نوشته شده است. امام خمینی (قدس سره) در این اثر به شبهات و تبلیغات ضد دینی و ضد روحانی جزو اسرار هزارساله یک وهابی‌گرا پاسخ گفته و به استناد حقایق تاریخی و ضمن طرح نقد آرای فلاسفه یونان قدیم، فلاسفه اسلام و فلاسفه معاصر غرب، به حقانیت تشیع و نقش سازند روحانیت اسلام تاکید ورزیده است. ایشان در همین کتاب اندیشه حکومت اسلامی و ولایت فقیه در عصر غیبت را مطرح کرده و به تفصیل سیاست‌های ضدملی و لائیک رضاخان و همفکران او را ممالک اسلامی (در آن زمان) افشا کرده است.

۱۴. بگو من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که دو به دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید.

۱۵. می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند ولی خداوند نمی‌گذارد تا نور خود را کامل کند هر چند کافران را خوش نیاید* او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

۱۶. اصل ۹۰ تا ۹۳ متمم قانون اساسی مشروطه مربوط به تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرز انتخاب نمایندگان انجمن‌ها و حدود وظایف آنان است. انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اصل‌های ۹۱ و ۹۲ متمم قانون اساسی مشروطه پیش‌بینی شده و نظام‌نامه مصوب مجلس اول شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان را مسلمان بودن، سوگند به قرآن، و عدم اجازه رای به زنان اعلام کرده بود. ولی از آن زمان تا ۱۳۴۰ مسکوت مانده بود، اما در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۴۱ جرایم تهران با تیتیر درشت اعلام داشتن دولت لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی جدید را تصویب کرد. در متن آن قید اسلام از شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان حذف شده بود و در مراسم سوگند به جای قرآن کتاب آسمانی آورده شده و به زنان نیز حق رای داده شده بود. (جهت اطلاع بیشتر در این مورد مراجعه کنید به روحانی، ۱۳۶۰: ۲۱۶-۱۴۱)

۱۷. Capitulations: عبارت است از نظام قضاوت کنسولی و برخی تضمین‌ها و امتیازات و مصونیت‌های قضایی که به موجب تصمیمات یک‌جانبه به اتباع و دولت‌های بیگانه داده می‌شود. در نظام کاپیتولاسیون، رسیدگی به جرایم اتباع بیگانه از حدود صلاحیت مقامات قضایی محلی خارج بوده، آن‌ها تابع صلاحیت مقامات و به‌ویژه مامورین کنسولی دولت متبوعه خود محسوب می‌شدند.

18. Divid and Rule

۱۹. خطاب به گروهی از اعضای جنبش امل لبنان

کتاب‌نامه

الف - کتاب

۱. قرآن مجید
۲. الهی، همایون، (۱۳۶۷)، امپریالیسم و عقب‌ماندگی، تهران: انتشارات اندیشه
۳. الهی، همایون، (۱۳۶۸)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: انتشارات اندیشه.
۴. انصاری، حمید، (۱۳۷۴)، حدیث بیداری، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. ایزدی، بیژن، (۱۳۷۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. بخشی، علی آقا، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۷. بهرامی، قدرت‌الله، (۱۳۸۹)، مناطق راهبردی جهان، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
۸. پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ رحمانی، محمدعلی، (۱۳۹۰)، قلمروخواهی ایران و امریکا در خاورمیانه، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۹. جعفری، سید اصغر، (۱۳۷۷)، نقش امام (ره) در دفاع از ملل اسلامی و مستضعف، مجموعه مقالات سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی (ره)، جلد دوم، تهران: انتشارات دفاع.
۱۰. خمینی (ره)، روح‌الله، (۱۳۷۴)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۳)، نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی، تهران: نشر مخاطب.
۱۲. رضایی، محسن، (۱۳۸۴)، ایران منطقه‌ای، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۳. روحانی، سید حمید، (۱۳۶۰)، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، تهران: انتشارات راه امام (ره).
۱۴. روحانی، سید حمید، (۱۳۶۴)، نهضت امام خمینی، جلد دوم، تهران: انتشارات بنیاد شهید.
۱۵. صحیفه نور (۲۲ جلدی) نرم افزار مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌های حضرت امام خمینی، تهران: انتشارات مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۷)، فقه سیاسی، جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۹)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: نشر کتاب سیاسی.
۱۸. مجرد، محسن، (۱۳۸۶)، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۹. نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۶۹)، تحولات روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.
۲۰. هاشمی، سید محمد، (۱۳۷۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

ب- مقالات

۲۱. جعفری، سید اصغر؛ قاسمی، علیرضا، (۱۳۹۳)، «نقش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱۰، ۵۳-۷۴.

۲۲. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ آجورلو، حسین، (۱۳۹۴)، «تحلیل راهبردی تحقق آرمان فلسطین در پرتوی بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۳، شماره ۶، ۱۱۰-۸۳.

۲۳. شیخ‌محمدی، علیرضا و دیگران، (۱۳۹۲)، «بررسی نظریه صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه اشراق بین‌الملل، سال اول، شماره ۱، ۴۳-۲۸.

۲۴. شفیعی سروستانی، ابراهیم، (۱۳۷۷)، «امام خمینی (ره) و رسالت جهانی انقلاب اسلامی»، ماهنامه موعود، شماره هشتم، ۳۲-۱۸.

۲۵. مسعودنیا، حسین؛ صادقی، نقدعلی، (۱۳۹۲)، «خاورمیانه بزرگ جهان اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره اول، ۹۷-۱۱۸.

۲۶. هژبری، حسین؛ خرمشاد، محمدباقر، (۱۳۹۴)، «جایگاه و نقش انقلاب اسلامی در سیر تکوین تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۱۵-۱۵۰.

۲۷.

ج- انگلیسی

28. Nakhleh, Emile A. (1982), *The Persian Gulf and American Policy*, New York: Praeger Publishers.

29. Rahmani, Shahin Mossavar(1989), *The Iranian Revolution and its Theoretical Implications*, Ann Arbor: U.M.I.

